



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



استاذ امور رضوی
مجمع تعلیم و ترویج اسلام



سید مهدی قلیچ

دریچه‌ای توبه زندگی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما ۹۶ (دریچه ای نو به زندگی)

نویسنده:

مهدی قانع

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---------------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | رهنما ۹۶ (دریچه ای نو به زندگی) |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۸ | اشاره |
| ۱۱ | دریچه ای نو به زندگی |
| ۱۳ | اشاره |
| ۱۷ | فصل اول: از کاروان جا نمانید... |
| ۱۷ | اشاره |
| ۱۸ | ۱.۱. چقدر عمر کرده ای؟ |
| ۲۰ | ۱.۲. باید دودوتا چهارتا کرد |
| ۲۳ | ۱.۳. چرا چشم انداز؟ |
| ۲۷ | فصل دوم: فرصت ها و ظرفیت ها |
| ۲۷ | اشاره |
| ۲۸ | ۲.۱. پُرتَرین سرمایه |
| ۳۱ | ۲.۲. بیوند خوردن با ریشه ها |
| ۳۳ | ۲.۳. می توان از مشکلات نردبانی ساخت |
| ۳۵ | ۲.۴. دعا؛ نگاه ما به خود در آئینه خدا |
| ۳۶ | ۲.۵. شکر؛ ثبت دارایی واقعی مان |
| ۴۱ | فصل سوم: خطرات سر راهم چیست؟ |
| ۴۱ | اشاره |
| ۴۲ | ۳.۱. گناهان کوچک؛ کمینگاه شیطان |
| ۴۳ | ۳.۲. عُجب و غرور؛ ویروس اختراعی شیطان |
| ۴۸ | ۳.۳. خشم؛ ابزار چیرگی شیطان |
| ۵۰ | ۳.۴. نکته های طلایی |

۵۲ ۳.۵. بندها را پاره کنیم تا صفحه های نورانی ما را جادو نکند

۵۳ ۳.۶. دوستان و همراهان

۵۷ ۳.۷. زندگی کردن برای یک نگاه

۶۱ درباره مرکز

سرشناسه: قانع، مهدی، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: دریچه ای نو به زندگی / نویسنده سیدمهدی قانع؛ به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی «آستان قدس رضوی».

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۲ص. ۱۰×۱۵س م.

فروست: رهنما؛ ۹۶.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۰۷۹-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴

موضوع: داستان های آموزنده -- مجموعه ها

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی

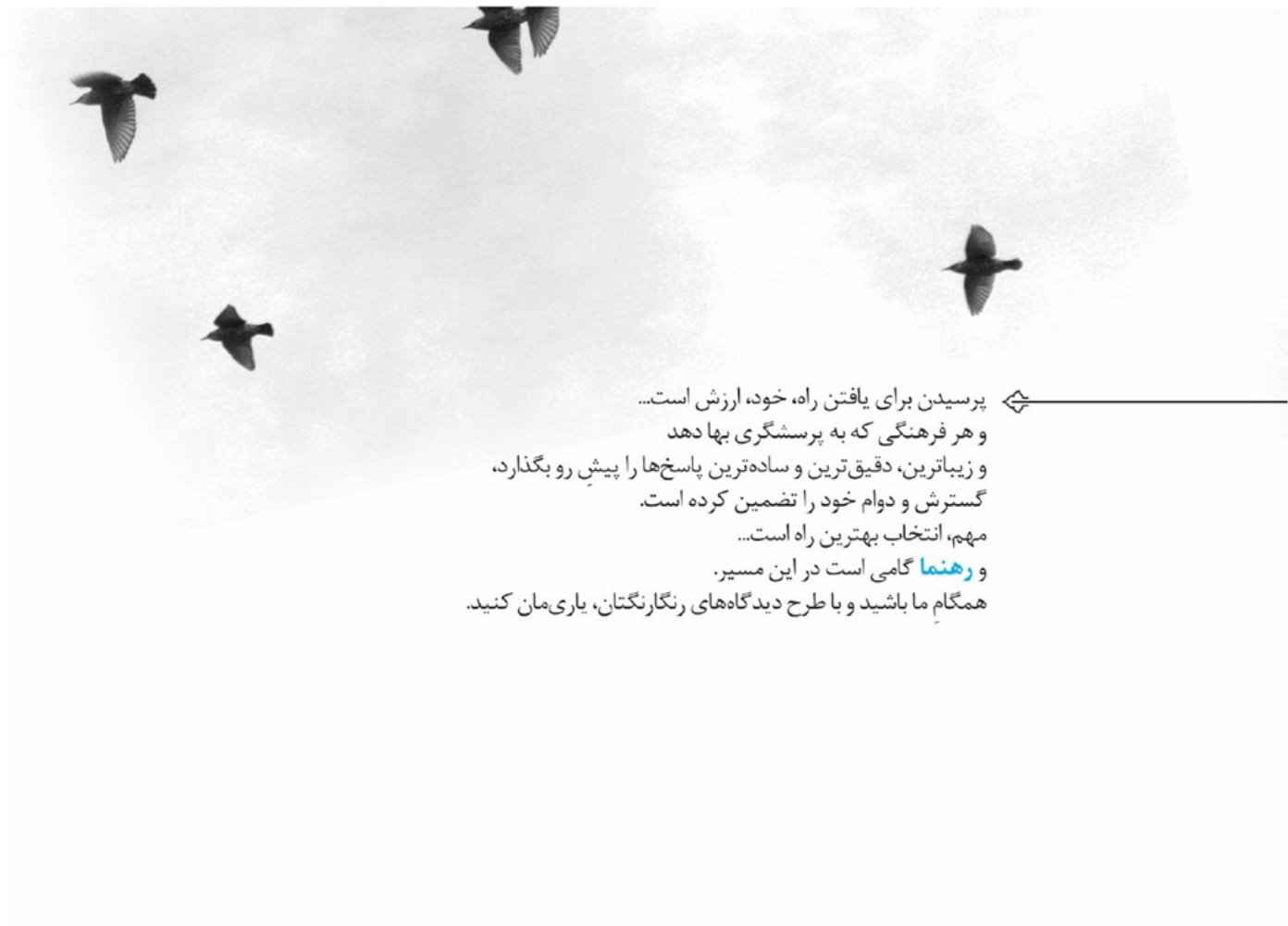
رده بندی کنگره: BP۲۴۶/ق۴د۲۵ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

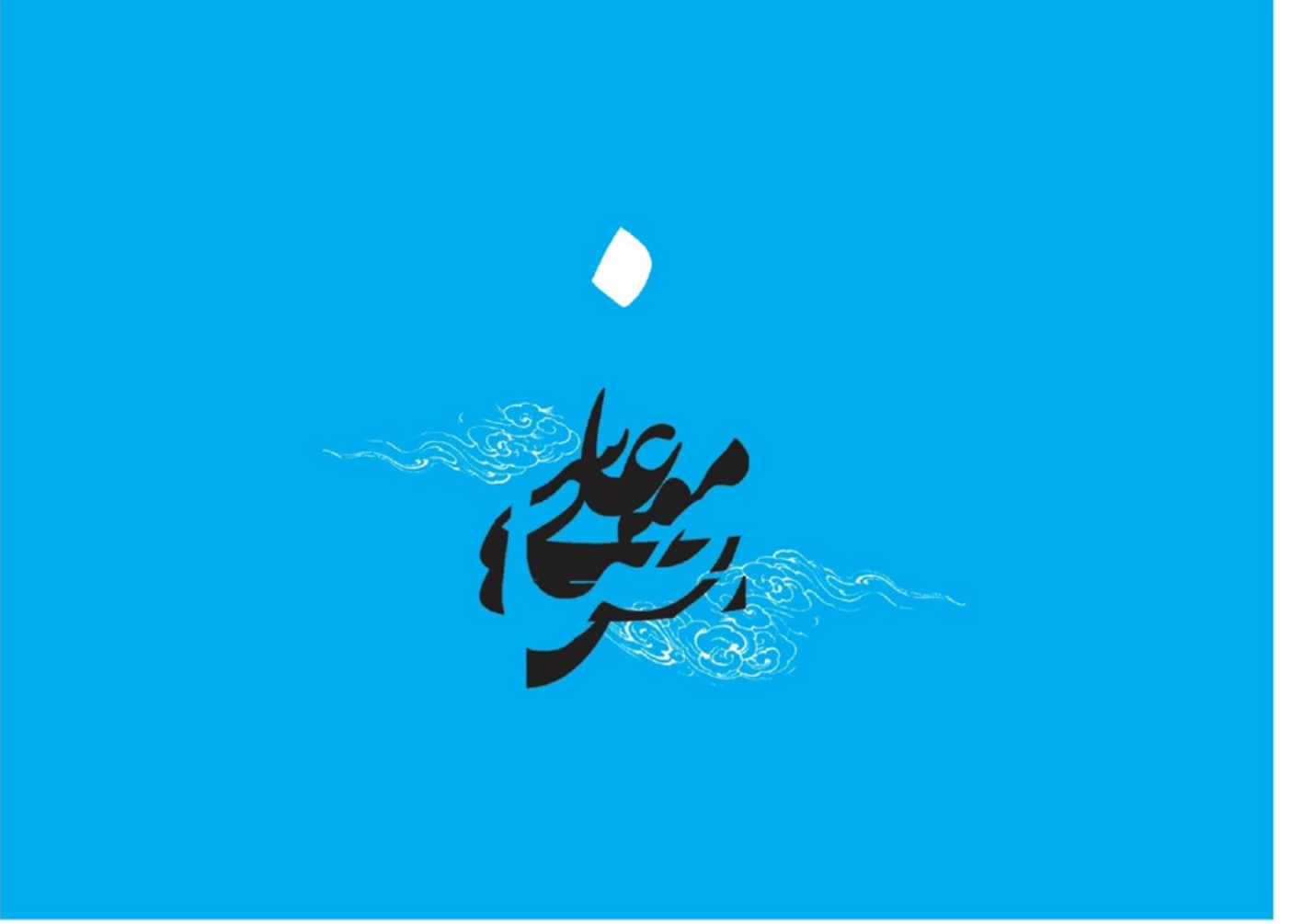
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۴۶۱۸

ص: ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



دریچه ای نو به زندگی

پاسخ به پرسش های زیر، نگارش متن پیش رو را توجیه می کند:

۱. جمع کردن برای ماندن یا ازپیش فرستادن برای روز موعود؟ در تنگنای این حیرت، کدام را باید برگزید؟

۲. بی چشم انداز به کجا می رویم؟

۳. مشکلات بر شانه های ما فرود می آیند یا سکوی رشد ما می شوند؟

۴. شکرگویی چگونه بستری برای والاترشدن زیستن ما فراهم می آورد؟

۵. عجب چیست و غرور کدام؟ چگونه از چاله ای بپریم که این دو پیش پای رهرو می کنند؟

۶. می گویند: «دوستان خط کش های پنهان رفتار و فکر مایند.» چرا؟

۷. رسانه های امروزی چگونه انسان را در خانه خود غریب می کنند؟

ص: ۵



کبوتری گوشه حیاط منزلمان نشست؛ با نگاهی به اطراف، برای پیدا کردن دانه. به جست و جو در زمین پرداخت. ناگهان جستی زد و پرید... . با خود گفتم: «چرا پرید؟ آیا خطری حس کرد؟ یا به یاد جوجه های گرسنه و رهاشده خود افتاد؟ یا به امید یافتن جایی بهتر پرواز کرد؟ هرچه بود، از ماندن در اینجا راضی نبود.» ناگهان، این جمله در ذهنم جرقه ای زد: «اگر کسی به جایی که هست، دل خوش باشد، حرکت نمی کند و در همان جا می ایستد. کسی حرکت و پرواز می کند که بر حال و جایگاه خود نقد دارد و زمزمه «ظلمت نفسی» سر می دهد. کسی از جایگاه خود دل می کند که آرزو و چشم انداز بهتری در سر دارد.»

یاد این سخن امیرمؤمنان، علی، افتادم: «خدا رحمت کند کسی را که به حساب خود برسد و برنامه ای برای سرانجام داشته باشد. بداند از کجا آمده، در کجاست و به کجا

می رود.»(۱) راستی، ممکن است چیزی از این سخن به ذهن این کبوتر وارد شده باشد؟!

در سوره اعراف آمده است: «جهنم را برای بسیاری از جنیان و آدمیان آفریده ایم؛ چراکه دل هایی دارند که با آن، حقایق را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آن ها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آن ها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه ترند. آری، آنان همان غافل ماندگان اند.»(۲)

این نوشتار از ما می خواهد نگاهی تازه به زندگی خود بیندازیم. شاید بال های همت ما به هوس پرواز تکانی بخورد و ما را از جا بلند کند. امیرمؤمنان می فرماید: «دانا کسی است که قدر

ص: ۸

-
- ۱- روی عن امیرالمؤمنین حیث قال: رحم الله امرئ اعد لنفسه و استعداد لرمسه و علم من این و فی این و الی این. محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی، شرح أصول الكافی (صدرا)، ج ۱، چ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش، ص ۵۷۱.
- ۲- لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. اعراف، ۱۷۹.

خود را بشناسد و در نادانی انسان، این بس که ارزش خویش نداند. دشمن ترین افراد نزد خدا کسی است که خدا او را به حال خود وا گذاشته که از راه راست منحرف شود و بدون راهنما برود.» (۱)

ص: ۹

۱- . الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ وَ إِنَّ مِنْ أْبْغَضِ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَعَبِيدًا وَ كَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ جَائِرًا عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ سَائِرًا بغير دليل. صبحی صالح، ص ۱۴۸، خطبه ۱۰۲.



فصل اول: از کاروان جا نمائید...

۱.۱. چقدر عمر کرده‌ای؟

راستی، می‌دانید غواصی که در عمق آب است، به چه فکر می‌کند؟

معمولاً از هم می‌پرسیم چند سال داری؛ یعنی چقدر عمر کرده‌ای. شاید باور نکنید تنها چیزی که برای غواص ارزش ندارد، اکسیژن‌هایی است که مصرف کرده است. او بیش از همه به آن فکر می‌کند که چقدر اکسیژن دارد و الان کجاست. اگر بدانند در غار پیش روی خود صندوقچه گنجی است که او را وسوسه می‌کند، عقل، او را به فکر راه بازگشت می‌اندازد و محاسبه می‌کند با این میزان اکسیژن، آیا می‌تواند به درون غار برود، به گنج دست یابد، آن را بردارد، از غار بیرون بیاید و خود را به بیرون آب برساند؟ این گنج ارزش چنین ریسکی دارد که جان خود را به خطر اندازد؟

حال از شما می‌پرسم: در دریای این دنیا شما چقدر عمر مصرف کرده‌اید و چقدر عمر دارید؟ به هوای چه گوهری به درون غار آرزوها وارد می‌شوید؟ اگر از ماهرترین غواص دنیا

این سؤال را بی‌رسید، می‌گویید: «برای همکاران خود از دو چیز نگرانم: یکی فقط به گنج فکر کردن و از پایان کار غافل بودن و دیگری به دنبال گنج، راهی غارهای دراز و پیچ در پیچ شدن.»

این مطلب، معنای همان سخن امام علی است که می‌فرمودند: «ای مردم، همانا من از دو چیز بر شما می‌ترسم: اول، پیروی و پرستش هوا و هوس و دوم، به دنبال آرزوی های دراز رفتن. پیروی از هوا و هوس نفس انسان را از راه حق باز می‌دارد و آرزوی دراز آخرت و پایان کار را از یاد انسان می‌برد. آگاه باشید دنیا به سرعت پشت کرده و از آن، جز باقی مانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می‌آید.»^(۱)

پس، اگر وسط راه هستی، از همین امروز باید گذشته را جبران کنی. گام بعدی خود را

ص: ۱۳

۱- . صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۸۳، خطبه ۴۲.

گام بازگشت سازی. امام جواد فرمودند: «تأخیر انداختن توبه مایه فریب خوردن است و به فردا و پس فردا افکندن، مایه سرگردانی و بهانه تراشی در برابر خداوند متعال، مایه هلاکت و پافشاری بر گناه، مایه ایمن پنداشتن خویش. جز زیان کاران، خود را از مکر خدا ایمن نمی پندارند.»^(۱)

۱.۲. باید دودوتا چهارتا کرد

همه اثاثیه منزلش را حراج کرده بود. پرسیدم: «می خواهی مدل جدید بخری؟» گفت: «نه، می خواهم به خارج کشور بروم. به پول احتیاج دارم.» گفتم: «وضع مالی ات که خوب است!» گفت: «نه، کم می آورم؛ چون چند روزی باید در اینجا زندگی کنم تا گذرنامه ام جور شود. پس، باید شب ها در هتل باشم. مقداری هم هزینه هواپیما و ماشین است و بقیه برای آن طرف: سرمایه گذاری و مسکن و... درضمن، این اثاثیه دیگر به درد من نمی خورد. پس،

ص: ۱۴

۱- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، ج ۶، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۰، حدیث ۳۶.

بگذار دردی از آن طرف برایم دوا کند.» راستی، چه خوب حساب و کتاب می کرد! فکر همه چیز را کرده بود. حتی چند شبی که می خواست اینجا در هتل بماند و... اگر چیزی به کسی می داد، در عوض، ارز آن طرف را می خواست. هیچ چیز مفت و مجانی به کسی نمی داد؛ مگر یادگاری به برخی از دوستان. در عوض آن نیز یادگاری می گرفت که آن طرف به دردش بخورد. به فکر فرو رفتم. به راستی مگر ما نمی خواهیم آن طرف برویم؟ منظورم خارج از کشور نیست. منظورم جهان جاویدان است. پول آن دنیا را نقد کرده ایم؟ پول آن طرف چیست؟

هنگامی که علی از نبرد صفین برمی گشتند، از کنار گورستان گذشتند، مصاحبه ای با مردگان کردند و فرمودند: «شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم و به شما خواهیم رسید. اما خانه هایمان، دیگران در آن سکونت گزیدند و زنانمان، با دیگران ازدواج کردند و اموالمان، میان دیگران تقسیم شد. این خبری است که ما داریم. حال شما چه خبر دارید؟» سپس، به اصحاب خود رو کردند و فرمودند: «بدانید اگر اجازه سخن گفتن داشتند، شما را

خبر می دادند که بهترین توشه، تقواست.»^(۱) امام صادق می فرمودند:

«مَثَلُ آدَمَ حَرِيصٍ فِي دُنْيَا، بِه مَانَعِدُ كَرَمَ اِبْرِيْشْمِيْ اَسْتِ كِه هِرْجِه بِيْشْتَرِ پِيْرَامُوْنِ خُوْد تَار بَتْنَد، خَارِجِ شَدْنِ اَز اَن بَرَايْشِ مَشْكَلِ تَر مِي شُوْد تَا اِيْنَكِه دَر مِيَاْنِ اَن مِي مِيْرَد.»^(۲)

بنابراین، امامان معصوم به شیعیان خود تأکید می کردند حتماً باید در زندگی شان محاسبه پیشه کنند. در روایتی از امام موسی بن جعفر آمده است که فرمودند: «هر کس که در هر روز حسابگر خود نباشد، از ما نیست. بنابراین، اگر کار نیکی کرده است، از خداوند بخواهد که آن را بسیار کند و اگر کار بدی کرده است، از خداوند بخشش بخواهد و توبه کند.»^(۳)

ص: ۱۶

۱- . صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۹۳، حکمت ۱۳۰.

۲- . محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۲، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۴، حدیث ۲۰.

۳- . الکافی، ج ۲، قم: الاسلامیه، ص ۴۵۳، حدیث ۲.

۱.۳. چرا چشم انداز؟

برخی جامعه شناسان گفته اند جامعه ای که هدف و چشم اندازی نداشته باشد، به مشکلات زیر دچار می شود:

۱. نخبگان و اندیشمندان جامعه به سبب نداشتن برنامه ای مشخص، دچار سردرگمی می شوند؛

۲. نیروهای فعال و نخبه به سوی نظریه های مختلف می روند و هر یک پیرو نظریه ای می شوند؛

۳. اداره جامعه هر چند وقت یک بار، در اختیار پیروان یک نظریه می افتد و معمولاً کارهای گروه پیشین را خنثی می کند؛

۴. این دست به دست شدن ها و رفت و برگشت ها، بودجه و نیروی جامعه را تلف می کند؛

۵. جامعه هر روز در معرض بحران جدیدی قرار می گیرد؛

۶. در نهایت، دشمن و رقیبان آن فرهنگ و تمدن، در ظاهر، پشتیبان یکی از نظریات شده و کم کم در جامعه نفوذ می کنند و سپس، چیره می شوند.

ص: ۱۷

جالب است بدانید کارشناسان تربیتی و اخلاق می گویند اگر انسان نیز چشم اندازی برای زندگی خود تعریف نکند، دچار همین مشکلات خواهد شد؛ یعنی:

۱. در زندگی سردرگم شده و نگاهش به رفتار دیگران دوخته می شود؛

۲. در کارها منتظر است که دیگران چگونه عمل می کنند و زندگی را همیشه از نگاه دیگران می بیند؛

۳. قدرت نه گفتن به کسی را ندارد، دیگران به او دستور می دهند و در زندگی اش به راحتی دخالت می کنند؛

۴. آنجا که به سخن این و آن رفتار می کند، رفتارهای گوناگونی از او دیده می شود. همیشه از زندگی ناراضی است، حسرت زندگی دیگران را دارد و دچار غم و افسردگی و نگرانی می شود؛

۵. علاوه بر هزینه های بیهوده، عمرش در راه های گوناگون تلف می شود؛

۶. شیطان، سرمایه عمر او را در راه های بیهوده مصرف می کند و در نهایت، به انسانی زیان کار و خاسر تبدیل می شود.

امیرمؤمنان فرموده اند: «دنیا سرای گذر کردن است، نه سرای ماندگاری. در آن، دو دسته از مردان هستند: مردی که خود را در آن می فروشد و اسیر می کند و مردی که خود را می خرد و آزاد می کند.» (۱) ارزش هر کس برابر با اندازه شناختش است و مردی که ارزش خود را نداند، نابود می شود.» (۲)

ص: ۱۹

۱- . قَالَ عَلِيٌّ: الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتِاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا. صبحی صالح، نهج البلاغه،

ص ۴۹۳، قصار ۱۳۳.

۲- . هَلِكُ امْرَأٍ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹.





فصل دوم: فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

در جبهه که بود، موتور تریل هوندا سوار می شد و می رفت جلو؛ اما حالا که جنگ تمام شده است، ترک موتور برخی بچه ها که می نشینند، دائم می گوید: «احتیاط کن! یواش برو!» از او پرسیدم: «چرا الان این قدر می ترسی؟ جبهه که بودی، نترس بودی.» گفت: «آنجا که بودم، دوست داشتم به دشمن دین ضربه بزنم و جانم را در راه خدا بدهم؛ اما الان اگر ترمز بگیری و سرم به کف خیابان بخورد، جانم را برای چه از دست داده ام؟ من که یک جان بیشتر ندارم. اگر قرار است از دست بدهم، می خواهم آن را بسیار گران بفروشم.»

«ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی درناک می رهانند؟ به خدا و رسولش ایمان آورید.»^(۱) به راستی، کسانی که به خدا ایمان دارند،

ص: ۲۲

۱- «یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب الیم تومنون بالله و رسوله. [صف، ۱۱ و ۱۰].»

شجاع ترین مردم هستند؛ چراکه می دانند عمر و سرمایه اصلی زندگی شان را بیهوده هدر نداده اند؛ بلکه در نزد خداوند ذخیره کرده اند. امام رضا فرمودند: «هرکس می خواهد نیرومندترین مردم باشد، باید بر خداوند توکل کند.» پرسیدند: «حدّ توکل چیست؟» فرمودند: «از غیر او نترسد.»^(۱)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، ام-ام خمینی، در آخرین جملات وصیت نامه خود چنین آورده اند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار، به فضل خداوند، از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم.»^(۲) ایشان مرگ را نه تنها پایان هستی خود نمی دانند، بل-که آن را سفری به جاودانگی می دانند.

انسان هایی که خدا باور نیستند، همیشه با چالش بزرگ فکری و روانی، به نام مسئله مرگ

ص: ۲۳

-
- ۱- . عَنِ الْعَالِمِ عَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ سَيُؤْتِ عَنْ حَيْدِ التَّوَكُّلِ مَا هُوَ قَالَ لَا تَخَافُ سِوَاهُ. منسوب به علی بن موسی الرضا، الفقه المنسوب إلى الامام الرضا، ج ۱، مشهد: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۶ق، ص ۳۵۸، باب ۹۶.
- ۲- . صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۵۰.

روبه رو هستند. آنان مرگ را پایان کار خود می دانند و برای بهره گیری از دنیا همه تلاش خود را می کنند و هرگاه اندکی خود را به مرگ نزدیک ببینند، دچار نگرانی می شوند؛ خلاف کسانی که در دنیا برای خداوند کار می کنند. پاداش آنان نزد پروردگارشان محفوظ است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند. آنان هنگام مرگ آرامش بسیار دارند و بسیار راحت از این دنیا جدا می شوند. امام سجاد از شادابی سرشار خود هنگام عبادت خداوند، این گونه سخن می گویند: «کجا به شادمانی می رسد کسی که کوشش او به سوی غیر تو باشد و کجا به آسایش می رسد کسی که اراده اش به سوی غیر تو بود؟»^(۱)

بدانید کسانی که در دنیا برای راه خدا هزینه می کنند و به دنبال آن نه منتی می گذارند و نه اذیتی دارند، نه غمی بر گذشته دارند و نه ترسی از آینده؛ چراکه مزدشان نزد خداوند محفوظ

ص: ۲۴

۱- . مناجات امام سجاد، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۷۵؛ ابطحی، صحیفه سجاده، ص ۴۴۱.

است. (۱) اگر می خواهید از افراد باایمان باشید، باید این چهار رکن را در خود تقویت کنید. این رکن ها همان است که امام رضا فرمودند: «ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خداوند عزوجل، راضی بودن به قضای خداوند، تسلیم بودن بر فرمان خداوند و واگذار کردن امور به خداوند.» (۲)

۲.۲. پیوند خوردن با ریشه ها

بی تردید، مهم ترین راه دور ماندن از گناه، تقوا، یعنی پرواداشتن از خداوند و خودسازی انسان است. می توان گفت یکی از ظرفیت های مهمی که به ایمان انسان بسیار کمک می کند، نظارت همگانی یعنی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به خصوص میان بستگان و خویشان. این نظارت فقط با ارتباط با خویشاوندان، یعنی صلۀ رحم، انجام می شود.

امام صادق فرمودند: «صلۀ رحم و نیکی به خویشان، حسابرسی را آسان می کند و

ص: ۲۵

۱- . بقره، ۲۶۲.

۲- . عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، طبع الحدیث، ج ۱، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۴، حدیث ۱۲۶۸.

انسان را از گناه مصون می‌دارد.»(۱) امیرمؤمنان، علی، صلۀ رحم را بال‌های انسان برای پرواز کردن و ریشه‌های انسان در برابر سختی‌ها و دشمنان می‌داند.(۲) در روایاتی از امام رضا نقل شده است: «برای طولانی شدن عمر، وسیله‌ای جز صلۀ رحم نمی‌شناسیم. خداوند به سبب صلۀ رحم، سی سال بر عمر انسان می‌افزاید و به سبب قطع رحم، سی سال از عمر انسان می‌کاهد.»(۳) البته باید یادآور شد که این رفت و آمدها به ضرر دین و آخرت ما نباشد؛ و گرنه باید دوری کرد.

امام موسی کاظم به مردی فرمودند: «چرا تو را نزد عبدالرحمان بن یعقوب می‌بینم؟» عرض کرد: «او خالوی من است.» حضرت فرمودند: «او درباره خدا گفتاری بس نادرست دارد و خداوند را که هرگز به وصف نمی‌آید، توصیف می‌کند. یا با او بنشین و ما را ترک کن، یا

ص: ۲۶

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، باب ۲۳، حدیث ۱۵۹.

۲- محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم: هجرت، چ ۱، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰۵، نامه ۳۱.

۳- نک: اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۲، حدیث ۱۷.

با ما بنشین و او را ترک کن.» عرض کرد: «او هرچه می خواهد می گوید. آیا هرگاه آنچه را می گوید نگویم و حتی بدان معتقد نباشم، از طرف او گناهی بر من است؟» حضرت فرمودند: «آیا نمی ترسی بلایی نازل شود و همه را فراگیرد؟» (۱)

۲.۳. می توان از مشکلات نردبانی ساخت

می گویند کشاورزی الاغی داشت که روزی، به طور اتفاقی، درون چاه بدون آبی افتاد. کشاورز هرچه سعی کرد، نتوانست الاغ را از چاه بیرون آورد. برای آنکه حیوان بیچاره زجر نکشد، کشاورز و مردم روستا تصمیم گرفتند چاه را با خاک و سنگ پر کنند تا الاغ زود تر بمیرد و زیاد زجر نکشد. اما هر بار که روی الاغ خاک می ریختند، او تکانی به خود می داد و خاک ها را زیر پایش می ریخت. هرچه خاک ها بیشتر بر سر الاغ می ریخت، او بالاتر می آمد

ص: ۲۷

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۴، حدیث ۲.

و خوشحال تر می شد. سرانجام توانست خود را نجات دهد. مشکلات زندگی مثل تلی از خاک بر سر ما می ریزد و ما مثل همیشه، دو انتخاب داریم: اول، اجازه دهیم مشکلات، ما را زنده به گور کند و دوم، از مشکلات سکویی بسازیم برای بالندگی و رشد.

البته، این به معنای انکار واقعیات و ندیدن مشکلات خود و دیگران نیست. نمی خواهیم خود را فریب دهیم و ناکامی ها و تلخی ها را انکار کنیم؛ بلکه می گوییم با شناخت دقیق مشکلات می توان از آن ها سکویی برای پرواز ساخت. راز و رمز شیرین زندگی کردن چندان سخت نیست. فقط باید بدانیم چگونه زندگی کنیم. آری؛ مشکلات و ناکامی های مسیر زندگی، مواد خام مشکلات زندگی است. زندگی ما همواره با مشکلات و سختی ها معنا می یابد. ما آمده ایم مسائل زندگی را حل کنیم و لذت حل مسائل و مشکلات را بچشیم.

اما باید بدانیم بسیاری از مشکلات، برگه امتحانی ما نزد خداوند است. خداوند در آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ سوره بقره می فرماید: «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و

کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان؛ آنان که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او بازمی گردیم. این افراد، همان ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان می شود و آنان هدایت یافتگان هستند.»

۲.۴. دعا؛ نگاه ما به خود در آئینه خدا

می گویند هدف از آفرینش آدمی، بندگی او در برابر خداوند است؛^(۱) اما گوهر بندگی، نیایش آدمی نزد خداوند است.^(۲) در قرآن شریف آمده است: اگر نیایش و دعا کردن آدمی در برابر خداوند نبود، او را ارزشی نزد خداوند نبود.^(۳)

ص: ۲۹

۱- «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». [ذاریات، ۱۴۱].

۲- الدعاء مخ العباده. (=دعا گوهر بندگی است). بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، حدیث ۳۷، باب ۱۴۹.

۳- «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ». فرقان، ۷۷.

می گویند اگر قرآن سخن فرو فرستاده شده خدا با آدم است، دعا سخن بالارونده آدمی با خداست. دعا نگاه آدمی در آینه خدایی بر سرمایه های خود و وحشت از بی چیزی خود است. دعا اعلام تجدیدنظر انسان در مصرف عمر خود و شکایت از خود به خداست. دعا نگاه آزمندانۀ انسان به بخشایشگری و مهربانی خداوند و شیرین زبانی برای اوست.

امام زین العابدین در نیایشی با پروردگار چنین نجوا می کنند: «خداوندا... دل خوش ندارم؛ مگر با نگاه به رویت و آرامش و قراری ندارم؛ مگر با نزدیکی به تو... بیماری ام بهبود نشود؛ مگر با درمان تو. غم از بین نرود؛ مگر با نزدیکی به تو.»^(۱)

۲.۵. شکر؛ ثبت دارایی واقعی مان

آورده اند گنجشکی خانه خراب روی شاخه درختی نشست. با چشمی غم بار و هراسان،

ص: ۳۰

۱- . مفاتیح الجنان، ج ۱، ص ۱۲۶، الحادیه عشره مناجات المفتقرین.

به این سوی و آن سوی نگاه می کرد. ندایی از سوی حق آمد: «با من از آن سنگینی بگو که در سینه توست.» گنجشک گفت: «لانه و سرپناه کوچکی داشتم که آرامگاه شب ها و خستگی هایم بود. همان را هم از من گرفتی. خداوندا، این توفان بی موقع چه بود که لانه ام را واژگون ساخت؟ لانه محقر من کجای این دنیای بزرگ را گرفته بود؟» سنگینی بغضی راه کلامش را بست و فقط با چشمان غم بارش، به این گوشه و آن گوشه نگاه می کرد.

ندا آمد: «تو در خواب عمیق بودی. ماری به کنار لانه ات خزیده بود و می خواست تو را ببلعد. باد را گفتم که لانه ات را واژگون کند. آنگاه تو از خواب بیدار شدی و از کمین مار پرگشودی.»

چشمان گنجشک در مهربانی خدا خیره مانده بود. اشک در دیدگانش حلقه زد و سرش را از خجالت فرود آورد.

این ماجرا، در واقع، طعن و اعتراض به آن دسته از انسان هایی است که در نعمت های

خداوند غرق بوده اند و خداوند چه بسیار بلاها را به واسطه محبتش از آنان دور کرد و آنان ندانستند و ناسپاسی کردند. به محض مواجهه با اندک ناگواری و اندوه که به نسبت خوشی‌ها و لذت‌ها بسیار ناچیز است، به انکار نعمت‌های الهی لب می‌گشایند و به اعتراض روی می‌آورند و همه رحمت‌ها و نعمت‌های خداوندی را از یاد می‌برند.

باید دانست که همیشه گذر زمان، داشته‌ها و دارایی‌های انسان را برای او عادی و بی‌اهمیت می‌سازد و نداشته‌ها یا داشته‌های دیگران را برای او مهم و آرزو. بنابراین، گاهی نیاز است کسی انسان را به داشته‌ها و توانایی‌های خود متوجه سازد. در قرآن کریم و روایات آمده نعمت‌های خداوند را به یاد آورید و تأکید شده است شکرگزار خداوند باشید که نعمت او را افزون می‌کند. (۱) انسان زمانی شکرگزار می‌شود که توانایی و نعمتی در خود ببیند و آنگاه است

ص: ۳۲

که لب و دل به سپاس پروردگار می سپارد. در دعای کمیل آمده است: «ای خدا، ای مولای من، چه بسیار کارهای زشتم مستور کردی. چه بسیار بلاهای سخت از من بگردانیدی. چه بسیار که از لغزش‌ها مرا نگاه داشتی. چه بسیار ناپسندها که از من دور کردی.»

بنده واقعی به داده‌های خدایش راضی است و در همه حال، شکرگزار اوست؛ چه آنگاه که در خوشی باشد و چه آن زمان که دچار تلخ‌کامی شود. زبان حال این افراد چنین است. آیا افرادی را می‌شناسید که در ظاهر، صاحب همه چیز هستند: شغل عالی، زندگی مرفه، منبع درآمد کافی؛ با این حال، نگران و مضطرب‌اند و احساس خوشبختی نمی‌کنند. در حالی که افراد دیگری را می‌شناسید که حداقل در ظاهر، دارایی‌چندانی ندارند؛ ولی باوجود این، شاد و بشاش به نظر می‌رسند.

معروف است که امام رضا درباره سجدۀ بعد از نماز واجب فرموده‌اند شکرگزاری خداوند است و در آن کمتر سخنی شایسته است گفته شود؛ مگر اینکه سه بار بگویید: «شُکراً»

لِّلَّهِ» معنای آن این است: سپاس می گویم خداوند را که مرا موفق گردانید بر بندگی اش و اجرای تکلیف واجب. شکرگزاری باعث افزایش نعمت می شود. اگر در نمازی کوتاهی باشد، با همین سجده کامل می شود. (۱)

ص: ۳۴

۱- . محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ج ۱، چ ۱، تهران: جهان، ۱۳۷۸ق، ص ۲۸۱، حدیث ۲۷.

فصل سوم: خطرات سر راهم چیست؟

همه خسته و برخی نیز زخمی بودند؛ اما لبخندی پیروزمندانه بر لب داشتند. بر چهره پیامبر نگاه کردند. ایشان نیز تبسمی بر لب داشتند. به یارانشان نگاهی انداختند و فرمودند: «آفرین بر گروهی که جهاد کوچکی را انجام دادند و به جهاد بزرگ رو کرده اند.» پرسیدند: «ای پیامبر خدا، جهاد بزرگ کدام است؟» فرمودند: «جهاد با نفس است.»^(۱) نبردی که در آن بسیاری از سرداران و مجاهدان به اسارت درآمدند، جهاد با نفس و نبرد با هوا و هوس بود. بنابراین، نمی توان در صراط مستقیم پایدار ماند؛ مگر اینکه سنگرها و کمینگاه های دشمن را شناخت و برای روبه روشن شدن با آن ها آماده بود.

۳.۱. گناهان کوچک؛ کمینگاه شیطان

انسان هایی سقوط کرده اند که در آغاز، از گناهانی شروع کردند که در نظر آنان، بسیار کوچک

ص: ۳۶

۱- . کافی، ج ۵، ص ۱۳، حدیث ۳.

و کم اهمیت بود. پس از آن، گناه بعدی نیز در نظرشان کوچک جلوه می کند و این کار با سرعت بیشتر پیش می رود. سپس، نگاهی مجرمانه و مایوسانه به خود می اندازند و خود را در دست شیطان رها می کنند. از این روست که امیرمؤمنان می فرمایند: «بدترین گناهان گناهی است که انجام دهنده، آن را بی اهمیت شمارد»^(۱) یا «بزرگ ترین گناه در نزد خداوند سبحان، گناهی است که کننده، آن را کوچک

شمارد.»^(۲)

۳.۲. عجب و غرور؛ ویروس اختراعی شیطان

از دام های شیطان که یک عمر بندگی و عبادت را نابود می کند، عجب و خودشیفتگی

ص: ۳۷

۱- صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۵۳۵، حکمت ۳۵۴ یا ۳۴۸.

۲- . أعظم الذنوب عند الله سبحانه ذنب صغر عند صاحبه. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، قم: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۱، حدیث ۳۱۹.

است. (۱) این دام ویروس خطرناکی است که انسانی پرهیزکار را یک باره، به انسانی کافر و فاسق تبدیل می کند. چه نیکو حکایت کرده اند که دو مرد داخل مسجد شدند. یکی عابد بود و دیگری فاسق. پس از مدتی که از مسجد بیرون آمدند، مرد فاسق، درستکار شده بود و مرد عابد، فاسق. عابد با حالتی داخل مسجد شد که به عبادت خویش می بالید و همه فکرش به آن بود؛ درحالی که همه فکر فاسق بر پشیمانی از نافرمانی اش و اینکه از خداوند برای گناهانش آمرزش بخواهد. (۲)

خودشیفتگی و عجب مفسده ای درونی است که همیشه از آن غفلت می شود. چه بسا سالیان درازی در دل و جان آدمی ریشه دوانده است و انسان از این مرض کُشنده آگاهی ندارد.

ص: ۳۸

۱- از امام جعفر صادق روایت است که فرمودند: «هر که عجب در او داخل شود، هلاک می شود.» اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۳، حدیث ۲.

۲- همان، حدیث ۶.

حضرت موسی نشسته بود که ناگهان، شیطان بر ایشان وارد شد. شیطان کلاهی رنگین بر سر داشت. به او نزدیک شد و کلاه را از سر برداشت. نزد موسی ایستاد و سلام کرد. موسی به او فرمود: «تو کیستی؟» گفت: «من شیطانم.» فرمود: «تویی؟ خداوند کسی را به خانه تو نزدیک نکند [و شیطان همسایه کسی نباشد.]» گفت: «من نیامده ام؛ مگر آنکه به سبب جایگاهی که نزد خدای عزوجل داری، بر تو سلام کنم.» موسی به شیطان فرمود: «این کلاه چیست؟» گفت: «با این کلاه، دل فرزندان آدم را می ربایم.» موسی فرمود: «مرا خبر ده از آن گناهی که چون فرزند آدم آن را انجام دهد، بر او چیره می شوی.» گفت: «آن وقتی است که او خودشیفته می شود [و عجب می ورزد]: عمل خود را بسیار شمارد و گناهِش در چشمش کوچک شود.» (۱)

عجب آن است که انسان خود را دارای توانمندی ها و برترهایی همچون دانش، دارایی،

ص: ۳۹

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۴، حدیث ۸.



جایگاه اجتماعی، آبرو، عملکرد، اندیشه، هوش، زیبایی، خرد و حتی تدین و... بدانند و به وجود این کمالات در دیگران توجه نداشته باشد و در درون، بر خود ببالد؛ اما غرور به معنای هر چیزی است که انسان را می فریبد و در غفلت فرو می برد؛ خواه مال و مقام باشد، یا شهوت و شیطان. سعدی در حکایتی این گونه از خویش نقل می کند: به خاطرم هست در دوران کودکی، بسیار عبادت می کردم، شب را با عبادت به سر می آوردم و در زهد و پرهیز، کوشا بودم. شبی در محضر پدرم نشسته بودم و همه شب را بیدار بوده و قرآن می خواندم. گروهی نیز در کنار ما خوابیده بودند که حتی بامداد، برای نماز صبح برخاستند. به پدرم گفتم: «از این خفتگان، یک نفر برخاست تا دو رکعت نماز به جای آورد. به گونه ای در خواب غفلت فرو رفته اند که گویی خوابیده اند؛ بلکه مرده اند.» پدرم گفت: «عزیزم، تو نیز اگر تا به صبح در خواب بودی، بهتر از آن بود که به نکوهش مردم زبان بگشایی و به غیبت و عیب جویی آنان پردازی.»

۳.۳. خشم؛ ابزار چیرگی شیطان

در متون دینی و ارزشی اهل بیت آمده است غضب، کلید هر بدی است؛^(۱) چراکه انسان به هنگام خشم، هر گناه کبیره ای مانند قتل نفس و متهم کردن انسان های پاک و حتی انکار خداوند را مرتکب می شود. یکی از روان شناسان بزرگ دنیا می گوید: «این باور، افسانه ای و غیرعقلانی است که خشم و ترس و اندوه را ناشی از رویداد های بیرونی انسان بدانید و کنترل آن ها را خارج از عهده فرد. واقعیت این است که بیشتر احساسات ناخوشایند فرد و باور های غیرعقلانی او و گفت و گو های درونی (غرزدن ها)، ناشی از این گونه باورهاست.»^(۲)

امام صادق فرمودند: «خشم، دلِ مردِ حکیم را از بین می برد» و فرمودند: «هر که مالک

ص: ۴۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۵۸، حدیث ۲۰۷۳۳.

۲- نک: آلبرت الیس و رابرت هارپر، راهنمای ازدواج موفق (از مجموعه کتاب های خودیاری ۱۰)، ترجمه الهام شفیعی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۵ش، ص ۲۳ و ۲۴.

خشم خود نیست، مالک عقل خود نیست.»^(۱) خشم شراره ای شیطانی است که در دل آدمیزاد برافروخته می شود. هنگامی که یکی از شما خشمگین شده و چشمانش سرخ شود و رگ های گردنش باد کند، شیطان درون او می شود.^(۲)

نمی شود خشم را به طور کلی حذف کرد؛ چراکه همه مشکلات خانوادگی و تربیتی و اقتصادی و نیز مسائل اجتماعی، فرهنگی، آرمانی، سیاسی، اقتصادی و حتی جهانی که اتفاق می افتد و تغییر آن در اختیار ما نیست، موجب درد و اندوه و خشم ما می شود. پس، باید شیوه های گوناگون دیگری برای ابراز خشم فراگرفت. در روایت آمده است هنگامی که مؤمن غضبناک می شود، غضبش او را از راه حق بیرون نمی کند و هنگامی که خشنود می شود، این خشنودی او را به باطل وارد نمی کند و هنگامی که قدرت می یابد، بیشتر از

ص: ۴۳

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۰، حدیث ۲۰۷۴۱-۱۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۵، حدیث ۱۲.

خود نمی گیرد. (۱)

در روایات دینی سفارش شده است در حال خشم، تصمیم نگیرید و برای کاهش این حالت، تغییر موقعیت بدهید؛ مثلاً اگر ایستاده اید، بنشینید. (۲)

۳.۴. نکته های طلایی

بدون شک، احساسات ما به شیوه اندیشه ما وابسته است. برخی اندیشه ها زمینه خوبی برای خشم و درگیری دارد و برخی دیگر خشم را به آسانی کنترل می کند. بنابراین بهتر است هنگام اندیشیدن درباره موضوعی که شما را خشمگین ساخته است، کارهای زیر را انجام دهید:

۱. از زاویه دید دیگران به موقعیت و مشکل نگاه کنید و ببینید طرف مقابل شما چه

ص: ۴۴

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۵۸، حدیث ۲۰۷۳۱-۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۶۳، ۲۰۷۴۹-۱۹.

نگرشی دربارهٔ این مشکل دارد؛

۲. دقت کنید که فقط به جنبهٔ منفی مسئله توجه نکنید و نکات مثبت را ناچیز نشمرید؛

۳. بپذیرید که ممکن است همه خطا کنند. نباید خطای دیگران را عمدی بدانید یا حتی فرصت خطا را از او بگیرید؛

۴. بپذیرید ممکن است شما نیز در تصمیمات خطا کنید. پس دربارهٔ آنچه مایلید انجام دهید، با شکیبایی اندیشه کنید؛

۵. دربارهٔ پیامدهای احتمالی تصمیم خود فکر کنید. آیا کم هزینه ترین راه را انتخاب کرده اید؟ دربارهٔ پیامدهای سایر راه ها نیز بیندیشید؛

۶. دقت کنید آیا توان کنترل و هدایت راهی را که انتخاب کرده اید، دارید و نظر اطرافیان دربارهٔ شما چگونه خواهد بود.

ص: ۴۵

۳.۵. بندها را پاره کنیم تا صفحه های نورانی ما را جادو نکند

راستی، می دانید غربت در خانه یعنی چه؟

همه ما حتی درون خانه خود و در کنار هم، غریبه ای بیش نیستیم. باید گفت همه ما گم شدگانی در فضای رسانه ای هستیم. امروزه، صفحات نورانی چشمان ما را جادو کرده است و با سحر خود، چشمان ما را به صفحه تلویزیون یا لپ تاپ یا تلفن همراه زنجیر کرده و مجبورمان می کند هرچه در آن می ریزند، با ذهنمان ببلعیم. هرگاه مجبور می شویم سرمان را بچرخانیم، باید فوری به سوی آن برگردیم تا چیزی ازدست ندهیم. رفتن و آمدن ما دیگر حس نمی شود. دیگر به چهره هم نگاه نمی کنیم؛ بلکه فقط گوشمان صدای همدیگر را تحمل می کند. این یعنی غریبی در خانه و گم شدن در فضای رسانه ها.

ما اجازه داده ایم رسانه ها برایمان احساس نیاز به وجود آورند و آن ها برایمان تعیین کنند که چه نوع برنج و مبل و حتی همسر و شیوه تربیت فرزند و... را انتخاب کنیم. مجبوریم

ص: ۴۶

تمامی کارها را فوری انجام دهیم و زود نماز بخوانیم یا کارها را عقب بیندازیم که به تماشای بازی فوتبال آن گوشه دنیا بنشینیم یا برای دیدن فلان سریال لحظه شماری کنیم. اگر کودکان نقاشی خود را به ما نشان دهد، او را با دست کنار می زنیم و ...

از همین امروز، استفاده از تکنولوژی را در زندگی تان محدود کنید. رایانه خیلی معصوم به نظر می رسد؛ اما وقتی قرار باشد هر روز با انگشت روی دکمه هایش بزیند، دیگر چندان معصوم نیست. عادت کنید هر از چندی از صفحه تلویزیون برای چشمان و ذهنتان مرخصی بگیرید. به خود جسارت دهید رایانه و تلویزیون و تلفن همراه را خاموش کنید و با آرامش خیال بیرون بروید و از زندگی تان لذت ببرید.

۳.۶. دوستان و همراهان

خط کش های پنهان ذهن ما چه کسانی هستند؟

هنگامی که به او گفتیم: «چرا نماز را مرتب نمی خوانی؟» گفت: «خدا پدرت را پیامرزد

ص: ۴۷

باز خوب است که من گاهی نماز می خوانم. فلانی نه تنها نماز نمی خواند، بلکه حرام را هم انجام می دهد.» شاید شما هم مانند این جمله که «باز خوب است که من...؛ اما فلانی نه تنها...» را شنیده باشید. باید گفت یکی از عوامل مؤثر در گمراهی یا پس رفت برای بسیاری، دوستانی صمیمی یا کسانی هستند که انسان وقت بیشتری با آنان سپری می کند. انسان ها بیشتر عادت دارند خوبی و بدی خود را با رفتار اطرافیان بسنجند و سرعت حرکت خود را با سرعت آنان تنظیم کنند. درحقیقت، دوستان و اطرافیان ما خط کش های پنهان ذهن ما هستند.

خداوند در سوره فرقان می فرماید: «و به یاد آور روزی را که ستمکار دست خود را از فرط حسرت به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم! ای

وای بر من، کاش فلان شخص گمراه را دوست خود انتخاب نکرده بودم!» (۱) امام صادق در روایتی می فرماید: «از معاشرت با دنیا دوستان پرهیزید؛ چراکه در آن، دین خود را ازدست می دهید و به دنبال آن، دچار نفاق خواهید شد. این دردی زشت و منفور بوده که بهبود ناپذیر است و موجب سخت دلی و سلب خشوع و فروتنی می شود.» (۲)

نیز، درجایی دیگر به اصحاب خود می فرماید: «هنگامی که یکی از آنان [یعنی اهل خلاف] چیزی به شما می رساند که موجب ناخشنودی شما و آزار ماست، چه چیزی شما را باز می دارد از اینکه بر او وارد شوید و او را توبیخ و سرزنش کنید و به طور مؤثر، با او سخن گوید.» (۳)

یکی از آنان گفت: «قربانت شوم، هرگاه از ما نپذیرد؟» حضرت فرمودند: «از آنان

ص: ۴۹

۱- «و یَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيِّنِي اِتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا. يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا.» فرقان، ۲۷ و ۲۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۶۷.

۳- همان، ج ۱، ص ۱۴۵.

دوری کنید و از شرکت در مجالس آنان بپرهیزید.» همچنین، به اصحاب خویش می فرمایند: «کاش هنگامی که از آن مرد چیزی به شما می رسد، نزد او بروید و به او بگویید: ای فلان، یا از ما دوری و کناره گیری کن، یا از این اعمال دست بردار. در صورتی که خودداری نکرد، از او دوری کنید.»^(۱)

در روایتی از امام کاظم نقل شده است که آن حضرت، دوستی با آدم های غیرخردمند را نهی می کنند و می فرمایند: «پرهیز از آمیزش با مردم و اُنس با آنان؛ مگر میان آنان خردمند و امین یابی. در این صورت با آنان اُنس بگیر و از غیر آنان بگریز. همان گونه که از جانوران درنده می گریزی.»^(۲) دوستی با یَدان و غیرنیکان، موجب هلاکت می شود. چه بسا نداشتن دوست، بهتر از دوستان فاسق است. چنان که امیرمؤمنان در روایتی می فرمایند: «باید اُنس تو به تنهایی بیشتر از هم نشینی با

ص: ۵۰

۱- . همان، ج ۹۷، ص ۸۸.

۲- . بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳.۷. زندگی کردن برای یک نگاه

در یادداشت های فرد معلولی می خوانیم: «از دو سال پیش که پای راستم را در اثر تصادف ازدست دادم، معلول شدم و همیشه، با استفاده از عصا راه می رفتم. راه رفتن با یک پا، نگاه های از سر تعجب یا دلسوزی مردم را به سوی من می کشاند. به این نگاه عادت کرده بودم. به انرژی ناشی از علاقه بصری مردم به بدنم، احساس نیاز می کردم و گاه منتظر آن می شدم. حال، احساس می کنم درحال اجرای نقشی هستم که خودم برای خودم ننوشته بودم؛ بلکه دیگران مرا وادار به بازی می کردند... نزد دیگران، دیگر به خودی خودم کمتر توجه داشتم...». راستی، مگر نگاه مردم به ما چه می دهد که بسیاری از اوقات خود را برای

ص:۵۱

آن هزینه می کنیم؟

چه بسیار است که ما نیز برای نگاه مردم و تعجب آنان، خود را هزینه می کنیم؛ از جمله انتخاب مدل لباس، آرایش مو، ماشین و حتی آجرهای ساختمان خانه. گویا تنها چیزی که تشنگی ما را پاسخ می دهد، نگاه متعجب یا تحسین دیگران است. گاهی کلمه تعجب آنان ما را به اوج می رساند و گاهی روزها و بلکه ماه ها تلاش می کنیم نگاه تعجب آمیز فرد یا افرادی را به سوی خود جلب کنیم. گمان نمی کنید این رفتار از معلولیت شخصیت و خیالی ناشی باشد که در نگاه خودمان به خود احساس می کنیم و کمبودی است که در خود احساس می کنیم و درصدد جبران آن هستیم؟ هرچه هست بگذریم؛ اما...

می گویند کسی نزد حکیمی گفت: «بدبخت ترین آدمیان کسی است که آخرت جاویدان خود را به چند روز خوشی دنیا بفروشد.» حکیم گفت: «بدبخت تر از او کسی است که آخرت جاوید خود را به چند روز خوشی دیگران بفروشد!» به ذهن خود فشار نیاورید تا دیگری به

ص: ۵۲

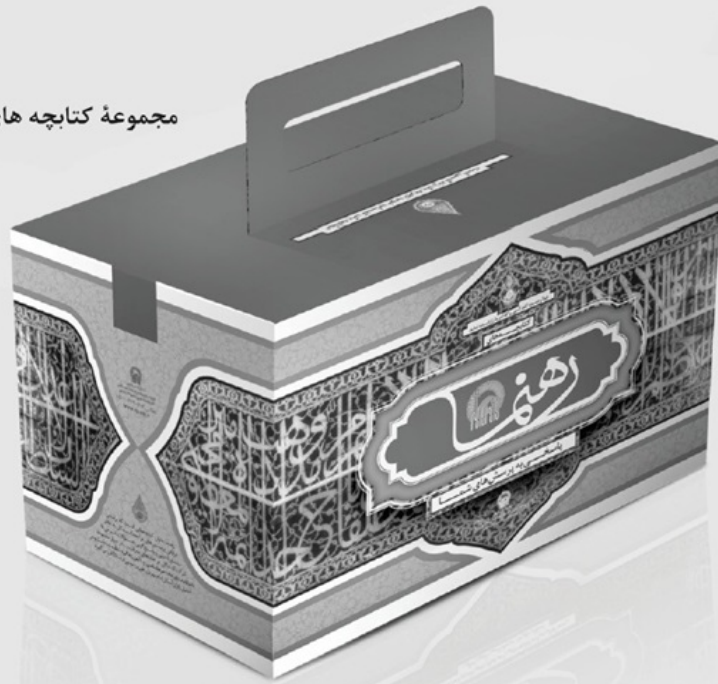
یادتان آید. تاکنون چند بار شده است که در مجلسی، برای آنکه دیگران را به تعجب وادارید، اخباری خصوصی از زندگی دیگران گفته اید؟ آیا تلاش برای خندیدن اطرافیان با تمسخر دیگران، از نمونه های خرید گناه برای شادی دیگران نیست؟

خداوند در قرآن مجید می فرماید: «بدانید زندگی دنیا، فقط بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی میان شما و نیز افزون طلبی در اموال و فرزندان است؛ همانند بارانی که حاصل آن، کشاورزان را در شگفتی فرو می برد و سپس، خشک می شود. به گونه ای که آن را زردرنگ می بینی. سپس، به کاه تبدیل می شود. در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی. به هر حال، زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!» (۱)

ص: ۵۳

۱- «اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتِرَاهُ مُضِيًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» حدید، ۲۰.

مجموعه کتابچه های رهنما



بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

